اشاره

دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا روز دوشنبه ۱۹ فروردین ۹۸ و در آستانه سالروز تولد امام حسین(ع) سرور و سالار شهیدان و روز پاسدار، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را به این بهانه که «سپاه در اقدامات تروریستی در سراسر جهان حضور دارد» در لیست سازمان‌های تروریستی آمریکا قرار داد و این اقدام عجیب و غریب در حالی است که سپاه بیشترین نقش را در مبارزه با گروه‌های تروریستی تکفیری مثل داعش در منطقه طی چند سالیان اخیر داشته است.

کمتر کسی اســـت که در دنیا نداند گروه‌های تروریستی در جهان و به خصوص در غرب آسیا از القاعده گرفته تا داعش همواره در حمایت مستقیم و غیر مستقیم آمریکا بوده‌اند. آمریکا هر وقت منافع نامشروعش در این منطقه ایجاب کند سازمان‌های تروریستی را ایجاد و از آنها حمایت می کند و از تروریست‌ها برای مقابله با دولت‌های مستقل در منطقه و جهان استفاده می کند و هر زمان که تاریخ مصرف این سازمان‌ها تمام شد؛ ائتلاف مبارزه با گروه‌های تروریستی تشکیل می‌دهد! البته به شکل نمایشی.

برای بررســـی این اقدام دولت آمریکا به سراغ پروفسور «دنیس رنکورت» رفتیم. وی کارشناس مسائل سیاسی، عضو هیئت‌علمی و اســـتاد سابق فیزیک دانشگاه اوتاواست. پرفسور رنکورت سال ۹۴ پس از انتشار نامه رهبر معظم انقلاب به جوانان غربی طی نامه‌ای به ایشـــان نوشت: «نامه شما به جوانان غربی را با شیدایی و علاقه بسیاری خواندم. این نامه قلب و فهم مرا به هیجان آورد. ایران واقعاً از اینکه رهبری مانند شـــما دارد، خوشبخت است. ما در کانادا فقط سیاستمداران کوچک دورو، مغرض و خودشیفته‌ای داریم که برای نفع شرکت‌های بزرگ و خواسته‌های ایالات متحده رقابت می کنند. من واقعاً از تحلیل عمیق روان‌شناسانه و ژئوپلیتیکال شما در مورد ریشـــه‌های تروریسم بین‌الملل قدردانی می کنم. من باور دارم که تفسیر شما به‌شکلی بنیادین صحیح است و من از ارتباطی که شما با این حقیقت برقرار کرده‌اید، شگفت‌زده‌ام.» در ادامه این مصاحبه را می خوانیم.

مصاحبه از: سید محمد امین آبادی

پژوهشگر کانادایی در گفت‌وگو با کیهان:

پنتـــاگون تـــروریست اســـت نه سپاه آمریکا نعل وارونه می‌زند

*** آمریکا در حال حاضر و در شرایط کنونی بدون هیچ رقیب نزدیکی تهدید اصلی برای امنیت جهانی است.**

*** آمریکا سازمانی را تروریستی اعلام کرده که برای مقابله با رژیم اصلی سرکش و یاغی در کره زمین ایجاد شده است.**

هدف واقعـــی آمریکا از اینکه «ســـپاه پاســـداران انقلاب اســـلامی» را در لیست گروه‌های تروریستی قرار داده چیست و ترامپ چه قصد و نیتی از این اقدام مضحک در حقوق بین‌الملل دارد؟

آمریکا به دنبال این است که منطقه خاورمیانه را تحت کنترل خود داشـــته باشـــد به خاطر اینکه می‌خواهد هم قیمت بـــالای نفت و هم دولت‌هایی که از فروش نفت و گاز سود می‌برند را کنترل کند. بیائید از آغاز شروع کنیم. آمریکا از سال ۱۹۷۱ در حال مذاکره بر ســـر یک معضل و معما است زمانی که به طور یک جانبـــه موافقت‌نامه تجاری «برتون وودز» را بـــا متحدین بعد از جنـــگ جهانی دوم و حوزه‌های تحت کنترل خود لغو کرد. این متحدین به سرعت در حال توسعه بودند. من این وضعیت را در گـــزارش اخیر خود تحت عنوان «ژئو اکونومیک و ژئوپلوتیک در گذر دوره‌های پیاپی جهانی سازی غارتگر و مهندسی اجتماعی» توضیح داده‌ام. معضلی که آمریکا از سال ۱۹۷۱ با آن رو به رو شد این بود که از یک طرف باید نفت بهای بالایی داشـــته باشد و قراردادهای نفتی با دلار آمریکا به منظور تضمین دلار بـــه عنوان پول رایج جهانی به عنوان مهم‌ترین ابزار مالی اســـتثمارگری جهانی آمریکا بسته شود، از سوی دیگر همزمان دولت‌هایی که تحت کنترل آمریکا نبودند می‌توانستند نفت و گاز تولید کنند و به شدت از قیمت‌های بالای آن بهرمند شوند و در نتیجه استقلال و توسعه خود را به دست آورند.

توسعه ملت‌های مستقل بیرون از کنترل آمریکا به صورت اجتناب ناپذیری، منجر به یک جهان چند قطبی با منافع منطقه‌ای رقابتی متوازن می‌شد آن هم به جای دنیایی که تحت سلطه آمریکاست و عمدتا در عقب‌ماندگی به ســـر می‌برد. آمریکا از به تاخیر انداختن ظهور طبیعی و اجتناب ناپذیر یک سیستم چند قطبی نظامی و اقتصادی نا امید شده است. این کشـــور نا امن، از منطقا هراسان از انتقام و مست از قدرت است. سرگی لاورف وزیر خارجه روسیه این وضعیت را در عبارتی خاص و دیپلماتیک این گونه بیان کرد: «آمریکا از رقابت عادلانه می‌ترسد.»

کالاهای گـــران قیمتی غیر از نفت و گاز وجود دارنـــد که به طور مصنوعی، دلار آمریکا را به عنوان واحد پول جهان حفظ می‌کنند. این موارد شـــامل تمایل به پرداخت وام‌هـــای اجباری با دلار آمریکا، فروش سخت‌افزارهای نظامی آمریکا به متحدان تابع و مطیع و سود حاصل از کشت تریاک (افغانستان) و داروهای ثبت شـــده آمریکایی هستند. حالا ایران این سلطه آمریکا را از دو منظر تهدید می‌کند؛ اول اینکه ایران لنگر و ســـتون محور مقاومت در مقابل سلطه آمریکا و اسرائیل در منطقه خاورمیانه است. این کشـــور به عنوان یک نمونه کمیـــاب و نادر از یک حکومت کاملا مستقل و قوی است. دوم اینکه ایران به عنوان یک تولیدکننده نفت می‌تواند از پول حاصل از نفت به عنوان بودجه و سرمایه لازم جهت تقویت امنیت، توسعه مطلوب، نفوذ دفاعی و پیوند با کشـــورهای همسایه مثل عراق؛ سوریه و لبنان به خوبی استفاده کند. همین ایران توسط رژیم ایالات متحده آمریکا به عنوان منبع اصلی تهدید علیه سلطه آمریکا - اسرائیل در منطقه خاورمیانه شناخته شده است. ایران کانون مرکزی مخالفت با هژمونی آمریکا است. بنابراین تجاوزگری آمریکا علیه ایران تا زمانی که یک واکنش شـــدید و یک عکس‌العمل مناسب از سوی دنیای متعادل نبیند ادامه خواهد داشت.

حالا می‌توان هـــدف واقعی آمریکا از قرار دادن سپاه پاسداران در لیست ســـازمان‌های تروریستی این کشور را بهتر فهمید. این اقدام بی‌سابقه بخشی از جنگ تحریم‌های آمریکا با هدف بی‌ثبات سازی و تضعیف ایـــران به منظور ایجاد فرصت‌هایی برای مداخله سیاسی، اقدامات تروریستی، حملات نظامی و حتی فروپاشی است. حمله نظامی به ایران هدف دولت جمهوری خواه در دوره بوش هم بود. این هدف توسط دولت دموکرات اوباما به دلیل ریسک خیلی بالای آن رد شد. دموکرات‌ها خواستار مهار هستند هـــر چند خود هیلاری کلینتـــون یک جنگ طلب است. جمهوری خواهان هم به دنبال جنگ هستند. از لحاظ جناح بندی‌های حزبی جنگ در خاورمیانه (یا در ونزوئلا) به منافع جمهوریخواهان در بخش‌های انرژی (نفت و گاز شل) و بخش سلاح کمک می‌کند. در حالـــی که مهار و ثبات با حفظ برتری آمریکا به پایگاه دموکراتیک سرمایه‌داران(وال استریت) کمک می‌کند. جنگ در خاورمیانه همچنین باعث تقویت اسرائیل شده و نقش آن را در رژیم آمریکا گسترش می‌دهد.

ایـــن نکته را هم یادآوری کنم که آمریکا جنگ وحشـــیانه تحریم‌هـــای خود را علیـــه ملت‌هایی با دولت‌های مستقل که منابع انرژی نیز دارند، تا زمانی که ســـود حاصل از این نفت و گاز و این منابع را در اختیار و کنترل خـــود و متحدانش قرار دهد ادامه خواهد داد. آمریکا همچنین هرکاری می‌کند تا توسعه چین را محدود کند. چین نیز با توسعه تجارت خود با اوراسیا، با توسعه منابع عظیم زغال سنگ خود و توافق نامه‌های امنیت انرژی با دولت‌های مستقل به این اقدام آمریکا پاسخ می‌دهد.

به نظر شـــما قراردادن نام سپاه پاسداران انقلاب اســـلامی در لیســـت ســـازمان‌های تروریســـتی چه تبعاتی برای ثبات و امنیت منطقه غرب آسیا خواهد داشت؟

آمریکا به یک رژیم ســـرکش یاغی غیر مشروع تبدیل شده اســـت. این رژیم با توهم باطلی که در سازمان ملل نیز ایجاد کرده، نیات خود برای مرعوب ساختن و بی‌ثبات سازی با هدف به تاخیر انداختن ظهور دولت‌ها و مناطق مستقل را عیان کرده است.

رفتارهای غیر قانونی، جنایتکارانه، شـــریرانه و سرکشانه آمریکا در حال حاضر در بسیاری از حوزه‌ها دیده می‌شود که برخی از آنها عبارتند از:

تحریم‌های تجـــاری و اقتصادی آمریکا همواره به عنوان ســـلاح تنبیه دســـته جمعی و جنگ‌های مخفیانه بـــا حمایت از تروریســـت‌ها مثل حمایت از تروریســـت‌ها در ســـوریه، حمایت از جنگ علیه یمن و قتل عـــام مردم این کشـــور، تحریک برای بروز بی‌ثباتی در اوکراین، اخیرا کشتار مردم لیبی، مداخله و تهدید به جنگ و حمله مستقیم به ونزوئلا، تصمیم‌گیری در مورد اینکه می‌تواند از دادگاه‌های خود برای پیگرد جرایم منتسب به کشورهای مستقل اســـتفاده کند؛ به طوری غیابی درخواســـت برای دستگیری شـــهروندان دولت‌های مستقل خارجی (جولیـــان آســـانژ، منـــگ وان ژو)، اداره اردوگاه‌ها

این یک تحول عجیب و غریب اســـت و به این معنی است که آمریکا در حال تنظیم سابقه‌ای است که یک ارتش ملی را می‌توان یک سازمان تروریستی نامید. هیچ پایه و اساسی در حقوق بین‌الملل برای این اقدام مزخرف و خارج از منطق وجود ندارد. اما اگر چنین قوانینی وجود داشته باشد که بتوان یک ارتش و ســـازمان دولتی را به عنوان یک ســـازمان تروریســـتی معرفی کرد؛ مطمئنا و قطعا بزرگترین سازمان تروریستی در حال حاضر که مناطق زیادی را در قاره‌ها تحت اشـــغال خود دارد ارتش آمریکا و سازمان سیا است.

به عبـــارت دیگر اقدام غیر مســـئولانه ترامپ، اشـــغالگران و نیروهای عملیاتی مخفی آمریکا را در همه جا در معرض خطر بازداشت و تعقیب به عنوان تروریست قرار می‌دهد. به همین دلیل مقامات ارشد اطلاعای و نظامی آمریکا شـــامل ژنرال «جوزف اف دانفورد» رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا مخالف نامگذاری سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک ســـازمان تروریستی بود. آمریکا در تلاش برای کند کردن روند توسعه جهان مستقل است و این اشتباه محاسباتی اســـت که پشت سر هم از سوی آمریکا تکرار می‌شود. اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک سازمان تروریستی یکی از این‌اشتباهات محاسباتی بود که البته آخرین آن نیز نخواهد بود.

سازمان‌های اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا در عملیات ترور در بسیاری از مناطق جهان دخالت دارند، همچنین دولت آمریکا از بسیاری از سازمان‌های تروریستی نیز حمایت می‌کند همزمان نیز سپاه پاسداران را که در حال مبارزه با گروه‌های تروریستی مثل داعش در سوریه و عراق است را به عنوان یک سازمان تروریستی در جهان معرفی می‌کند در کشورهای غربی این تناقض چگونه توجیه می‌شود؟

تعریف من از حماقت، ناتوانی مزمن در درک یک واقعیت عینی اســـت. پارادوکس (واقعیت) به دلیل وفاداری و سرسپردگی خود به رژیم ایالات متحده درک نمی‌شود. بنابراین هیچ پارادوکسی وجود ندارد. هیچ واقعیت درک شده‌ای وجود ندارد که بتواند باعث اختلال شناختی در آمریکا شود.

این موضـــوع توضیح می‌دهد کـــه چرا برخی شـــهروندان عادی نیز در آمریکا در واقع با خشونت داخلی و خارجی رژیم آمریکا مخالف نیستند. رژیم هر کاری می‌کند تا از طریق تبلیغات موثر به جای اجـــازه به تفکر فردی، مردم را با مســـائلی که خود دوســـت دارداشباع کند. به آنها می‌آموزد که آنگونه فکـــر کنند که رژیم به آنها از طریق تبلیغات تلقین می‌کند. هنگامی که تبلیغات و تلقین نهادینه کافی نبود رژیم آمریکا شهروندان خود را در بالاترین نرخ حبس در جهان(از هـــر ۱۰۰۰ نفر ۷ نفر در زندان هستند) زندانی می‌کند. از سوی دیگر برنامه‌ریزان نخبه آمریکا باید نگران پارادوکســـی باشند که شما آن را توصیـــف کردید زیرا چنیـــن عدم تجانس‌ها و ناســـازگاری‌ها، امپراطوری آمریکا را آسیب پذیر می‌کنند. یک امپراطوری می‌تواند به سرعت سقوط کند و فروبپاشد اگر برای چنین واکنش‌هایی زمین بارور و حاصل‌خیز تولید کند.

آمریـــکا توانایـــی خود را برای تولیـــد و ارتقای سیاستمداران و دولتمردان بزرگ از دست داده است و به یک ظرف برای منافع خاص عده‌ای تبدیل شده اســـت. در عین حال آمریکا یک مسابقه تسلیحاتی را نیز دنبال می‌کند و برای اســـتفاده از سلاح‌های هسته‌ای وسوسه می‌شـــود. جهان نیازمند محدود کردن ماجراجویی‌ها و جاه طلبی‌های آمریکا است. این مهم‌ترین و فوری‌ترین مســـئله دوران ماســـت. خوشـــبختانه روسیه، چین، ایران و دیگر دولت‌های شـــبیه اینها با نهادهای قوی و رشد درونی رهبران متفکر ملت‌های بسیار بالغی هستند.

در خبرها آمده بود که پنتاگون مخالف این اقدام ترامپ بوده است. به نظر شما علت این مخالفت چیست؟

بله همان‌طور که قبلا ذکر کردم به نظر می‌رسد که پنتاگـــون صدای خـــرد و عقلانیـــت در مورد این موضوع باشـــد. در آکادمی‌هـــای نظامی مردان نظامی آموزش‌های کلاســـیک قوی می‌بینند و این آموزش‌ها شـــامل شرایط اجتماعی برای ثبات ملی و لشکرکشـــی‌های موفق نظامی است. جنگها تنها بوســـیله تکنولوژی نظامی به پیروزی نمی‌رســـند. تکنولوژی پیشرفته را می‌توان به وسیله روش‌های غیر قابل پیش‌بینی شکست داد. علاوه‌بر این سیستم‌های اجباری ذاتا ناپایدار هستند. من فکر می‌کنم پنتاگون اغلـــب هر کاری را انجـــام می‌دهد که بتواند اجزای واقعیـــت را روی زمین پیاده کند. متاســـفانه مدل اســـرائیل اغلب هم در داخل و هـــم در پروژه‌های خارجی آمریکا دنبال می‌شود. مدل اسرائیل یک مدل اشغال وحشیانه توسط یک نیروی متجاوز است که با یک سیستم گسترده باج گیری ترکیب می‌شود. از نظر من این مدل شاید در نهایت به نتیجه مطلوب نســـل کشی در فلسطین برسد اما مدلی نیست که بتـــوان آن را به طور واقعی در مقیاس جهانی بدون اعطای امتیازات دیپلماتیک عمده اعلام کرد.

آیا این اقدام آمریکا در مورد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ممکن است به انتخابات اخیر در سرزمین های‌اشغالی مرتبط باشد؟

بله البته؛ نتانیاهو علنا در شبکه اجتماعی توئیتر از ترامپ به خاطر اعلام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان یک ســـازمان تروریستی تشکر کرد و در صفحه خود نوشت: «از شما متشکرم که درخواست دیگری از من را پذیرفتید.» این اقدام ترامپ در زمانی که انتخابات پارلمانی اســـرائیل در آستانه برگزاری بـــود اعتماد به نفس را بـــرای نتانیاهو به بار آورد و این مسئله می‌تواند توضیح این سؤال باشد که چرا طراحی این مسئله و اعلام سپاه به عنوان یک سازمان تروریستی توسط دولت ترامپ با این عجله انجام شد.

*** جهان نیازمند محدود کردن ماجراجویی‌ها و جاه‌طلبی‌های آمریکا است این مهم‌ترین و فوری‌ترین مسئله دوران ما است.**

شکنجه(گوانتانامو) اعلام حاکمیت بر سرزمین‌های تحت‌اشغال نظامی(بلندی‌های جولان) و...

ایالات متحده آمریکا در حال حاضر و در شرایط کنونی بدون هیچ رقیب نزدیکی تهدید اصلی برای امنیت جهانی است. نامگذاری سپاه پاسداران انقلاب اســـلامی به عنوان یک ســـازمان تروریستی هنجار جدیدی در رفتار ظالمانه آن است. تصور کنید: آمریکا به طور یک جانبه تصمیم می‌گیرد که یک سازمان ملی نظامی ایجاد شـــده برای مقابله و دفاع در برابر رژیم اصلی سرکش و یاغی در این سیاره یک سازمان تروریســـتی است! این یعنی آمریکا ادعا می‌کند که آنهایی که از خود دفاع می‌کنند تروریست هستند.

*** ایران لنگر و ستون محور مقاومت در مقابل سلطه آمریکا و اسرائیل در منطقه خاورمیانه و به عنوان یک نمونه کمیاب و نادر از یک دولت کاملا مستقل و قوی است.**

اشاره:

اقدام ترامپ در مورد تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به معنای به خطر افتادن امنیت نیروهای نظامی آمریکا در غرب آسیا به شمار می رود. بر خلاف این تصور برخی از حامیان غرب که اقدام متقابل جمهوری اسلامی تاثیر چندانی بر وضعیت نیروهای نظامی آمریکا نخواهد داشت، واقعیت این است که آسیب‌پذیری نیروهای نظامی آمریکا به سبب تروریستی خوانده شدن، بسیار بیشتر از آسیب‌پذیری سپاه است. چرا که ایران در منطقه ابزارهای فراوانی برای تهدید و منزوی‌سازی نیروهای نظامی آمریکا دارد، اما آمریکایی‌ها علیه سپاه هرچه داشتند را تاکنون رو کرده‌اند. در شرایط کنونی، خلیج فارس تحت تسلط نیروهای سپاه قرار داد و ناوهای آمریکایی باید برای عبور از خلیج فارس از سپاه مجوز بگیرند. هم‌اینک آمریکا حضور ناوگانی گســـترده‌ای در پهنه خلیج فارس و دریای عمان دارد و در پی تروریستی قلمداد شدن سپاه، نیروهای نظامی آمریکا در رویارویی‌های احتمالی با شـــناورهای سپاه در منطقه، این شناورها را نه شناورهای نظامی یک دولت دارای حاکمیت در منطقه، بلکه شناورهای یک سازمان تروریستی قلمداد خواهند کرد و متناســـب با آن برخورد خواهند کرد. از این پس حتی کشـــتی های تجاری آمریکا که می خواهند به خلیج فارس تردد کنند امکان تماس با نیروهای ســـپاه پاسداران که حافظ امنیت تنگه هرمز می‌باشند را ندارند، چون طبق قانون آمریکا تماس با تروریست ها جرم است و با توجه به عدم هماهنگی، احتمال اینکه آن ها توقیف شود و یا با آن ها برخورد شود بسیار زیاد است. اما نکته مهم به نقاط ضعف و آسیب‌پذیری آمریکا در منطقه بر می گردد. منابع خبری در همین زمینه، به بررسی هفت نقطه ضعف نظامی آمریکا در مقابل ایران پرداخته‌اند که در ادامه می خوانیم؛

بررسی آسیب پذیری آمریکا در غرب آسیا

هفت نقطه ضعف نظامی آمریکا در برابر ایران چیست؟

۱- تجربه تاریخی

آمریکا برای نخستین بار در جنگ هشت ساله در مقابل انقلاب اســـلامی ایران وارد جنگ شـــد و آن تجربه تبدیل به درس مهمی برای سران این کشور شده است. «بروس ریدل» کارشناس اندیشکده بروکینگز یکی از تحلیلگرانی اســـت که سال‌ها پیش در تحلیلی با عنوان «درس‌های آمریکا از اولین جنگ با ایران» به این امر اعتراف کرده اســـت. بنابراین از لحاظ تاریخی آمریکا یک بار وارد جنگ با ایران شـــده و شکست خورده اســـت. علاوه بر این در دو دهه اخیر آمریـــکا در منطقه چند جنگ بـــه راه انداخته که تبدیل به تجربه های دردناکی برای این کشـــور شده اســـت. ورود مستقیم آمریکا به جنگ های افغانســـتان و عراق و همچنین ورود به بحران های ســـوریه و یمن جایگاه این کشـــور را تضعیف کرده است. آمریکا با داشـــتن مدرن ترین جنگ افزارها و حتی با کمک متحدان اروپایی خود نتوانست گروه طالبان را شکست دهد و حال و روز افغانستان فعلی به خوبی گویای این حقیقت است که سیاست‌های آمریکا در افغانستان به شکست منجر شده و منفعتی برای کاخ سفید به دنبال نداشته است. شکست ارتش آمریکا در افغانستان و عراق اعتماد به نفس نیروهای نظامی آمریکا را کاهش داده و آنها را از درگیر شدن در جنگ‌های آتی نگران کرده اســـت. علاوه بر این آمریکا نتوانسته به رژیم اسرائیل برای شکست گروه‌های مقاومت کمک کند و حتی در یمن نیز واشنگتن عملا به نفع ائتلاف سعودی ورود کرده اما باز به پیروزی نرســـیده است. در مجموع تجربه مداخله‌های آمریکا در چند دهه اخیر نشـــان دهنده این اســـت که آمریکا در هیچ جنگی پیروز نشـــده و این مســـئله خود از لحاظ روانی نقطه ضعف بزرگی برای نظامیان آمریکایی در منطقه است.

۲- ساختار ناموزون ارتش آمریکا

ارتش آمریکا بر خلاف نیروهای نظامی ایران یک ارتش اعتقادی نبوده و منافع مادی مهم ترین دلیل فعالیت ســـربازها در این نهاد نظامی به شمار می‌رود. در ارتش آمریکا سربازانی با قومیت‌ها، زبان ها و رنگ پوست‌های مختلفی دیده می‌شود که اساسا معنای ارتش با ساختار واحد را زیر سوال می‌برد. علاوه بر این با توجه به دستمزد بالای سربازان ارتش آمریکا، این نیروها تا زمانی مایل به فعالیت بوده که امنیت جانی آن‌ها به خطر نیفتد و طبیعی است این گونه نیروها برگ برنده در میدان جنگ نخواهند بود. این مسئله تبدیل به یک نقطه ضعف بزرگ برای ارتش آمریکا شده است.

از ســـوی دیگر در دو دهه گذشته، آمریکایی‌ها پس از فروپاشی یوگسلاوی، به افغانستان و عراق لشکر کشیدند. جنگ در دو کشورِ اخیر بیش از یک دهه ادامه داشت و آمریکایی‌ها با توجه به اهدافی که برای شـــروع جنگ اعلام کرده بودند، موفقیتی کسب نکردند. از سیاست‌های جنگ‌طلبانه این کشور حتی سیاست‌مداران جنگ‌طلبی چون «زبیگنیو برژینسکی» نیز انتقاد کردند. برژینسکی در مخالفتش با بروز جنگ جدیدی که منافع آمریکا را ایجاب نخواهد کرد، خطاب به سناتورهایی که به ایران نامه نوشتند، گفت: «مانع‌تراشی در مقابل توافق با ایران، بازی سیاسی نیست، بلکه بازی با آتش است.» او اضافه کرد: «سناتورها باید از خودشان بپرسند که آیا وقوع جنگ دیگری می‌تواند منافع آمریکا را تأمین کند.» در گزارش راهبردی شاخص قدرت نظامی آمریکا در سال ۲۰۱۵، که وضعیت قدرت نظامی این کشـــور را بررسی کرده است، توان ارتش از لحاظ ظرفیت و قابلیت در ســـطحی حتی پایین‌تر از سطح متوسط «جزئی» قرار دارد و از لحاظ آمادگی نیز در سطح نسبتاً پایین قرار گرفته است. آن گزارش می‌افزایـــد ارتش آمریکا جهت انجام فعالیت‌هایی فراتر از این [یک منازعه منطقه‌ای] با مشکلاتی روبه‌رو خواهد شد و مطمئناً از تجهیزات کافـــی جهت پرداختن تقریباً هم‌زمان به دو رویداد منطقه‌ای عمده برخوردار نیســـت. کاهش مداوم منابع مالی و متعاقباً تنزل نیروی نظامی، باعث شـــده اســـت تا این نیرو تحت فشارهای چشمگیری قـــرار گیرد و واحدهای کمتری (عمدتاً پلتفرم‌های نیروی دریایی و نیروهای عملیات ویژه) در معرض فرایند استقرار عملیاتی چرخشی و طولانی‌مدت‌تر قرار می‌گیرند و مهلت استفاده از تجهیزات قدیمی تمدید می‌شود.

نشریه اکونومیست پنج نقطه ضعف مهم ارتش آمریکا را به شرح زیر برشمرده است:

نخست، کشتی‌های نیروی دریایی آمریکا در برابر موشک های زمین به دریا آسیب پذیر شده‌اند.

دوم آن که، حفاظت از پایگاه‌های هوایی منطقه ای آمریکا در برابر حملات غیرمنتظره ضعیف است. سوم آن که، هواپیماهای آمریکایی بیش از پیش برای شناسایی موشک های قابل حمل با دشواری رو به رو شده‌اند. چهارمین مشکل این است که سامانه های دفاع ضدهوایی مدرن می‌توانند هواپیماها را در فاصله های بسیار زیاد منهدم کنند. در نهایت، از ماهواره های نظارتی و اطلاعاتی مورد نیاز آمریکا خوب محافظت نمی‌شود و این ماهواره ها از حملات در امان نیستند.

۳- دوری از منازعات مستقیم و مدیریت از راه دور

یکی از مسائلی که آمریکایی‌ها با آن در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا مواجه هستند، گسترش نفرت مردم منطقه از سیاست‌های این کشور و عدم اقبال از رویکردی است که آمریکایی‌ها در این منطقه اتخاذ کرده‌اند. این همان چیزی است که آمریکایی‌ها در چند سال اخیـــر، تمرکز فراوانی روی آن داشـــته‌اند و آخرین جلوه آن نیز در سخنرانی رئیس‌جمهور وقت آمریکا در تاریخ ۲۸ می ۲۰۱۴ (۷ خرداد ۱۳۹۳) در دانشکده نظامی وست‌پوینت در ایالت نیویورک، مشهود است. در واقع سخنرانی اوباما در «وست‌پوینت»، مرام‌نامه استراتژی نظامی این کشور محسوب می‌شود. اوباما در بخشی از سخنان خود در خصـــوص دو رویکردی کـــه در آمریکا در مورد مداخله نظامی و عدم مداخله نظامی وجـــود دارد، موضعی غیر از این دو گرفت و با تأکید بر اینکه شـــرایط کنونی، رویکردی متفاوت را می‌طلبد، بیان داشـــت: «هیچ‌یک از دو دیدگاه به‌طور کامل مطابق با لحظه کنونی نیست که ما در آن قرار داریم... ما باید ابزارهای خود را گسترده کنیم تا شامل دیپلماســـی و تحریم و انزوا بشود. باید به قانون بین‌الملل متوســـل شویم و اگر منصفانه و کارآمد و ضروری بود، اقدام نظامی چندجانبه بکنیم. در چنین شـــرایطی، ما باید با دیگران کار کنیم، چون اقدام جمعی در چنین شرایطی احتمال موفقیت بیشتری دارد و پایداری اثر آن بیشتر خواهد بود... آمریکا نمی‌خواهد مداخله کند و قصد دارد هدف‌های خویش را به دست بازیگران منطقه‌ای محقق سازد.» بدین‌ترتیب اوباما از عدم حضور مستقیم آمریکا در جنگ‌های آتی، پرده برداشـــت. ترامپ از این نیز فراتر رفت و سیاست مداخله نظامی آمریکا در غرب آســـیا را زیر ســـوال برد و بارها از ۷ تریلیون دلاری که دولت‌های آمریکا در جنگ‌های این منطقه هزینه کرده و در واقع هدر داده اند، انتقاد کرد.

۴- قدرت تحرک

یکـــی از مهم‌ترین نقاط ضعف نظامیان آمریکایی در منطقه به قدرت تحرک آن ها بر می‌گردد. این مسئله در شرایط بحرانی تبدیل به نقطه ضعف بزرگی خواهد شـــد. در صورتـــی که ایران از طریق متحدان منطقه‌ای خـــود مانند حزب الله به راحتی قادر به فعالیت در هر نقطه‌ای از منطقه بوده و بدون این که نیاز به ورود مســـتقیم تهران به هر نبردی باشـــد متحدان منطقه ای ایران می توانند این نقش را ایفا کنند. آمریکا برای جبران این ضعف به ایجاد و حمایت از گروه های تروریســـتی مانند داعش پرداخت اما نتیجه مورد نظر را برای آنها درپی نداشـــت و برعکس باعث انسجام و افزایش قدرت گروه های زیر چتر محور مقاومت شد.

۵- قدرت بازدارنده ایران

ایران نیروی بازدارنده نظامی دارد و اگر برخی دشمنان آن مانند آمریکا به پیروزی خود در حمله نظامی مطمئن بودند در ۴۰ سال گذشته این کار را می کردند. آمریکا و عوامل آن از خطرات جنگ آگاه هستند به ویژه که پایگاه‌های نظامی آمریکا در تیررس موشک‌های ایران است و ده‌ها هزار سرباز آمریکایی، ایران را بخصوص از سمت کشورهای عربی احاطه کرده‌اند؛ ایران توانایی‌های نظامی زیادی در دریا دارد. همچنین موشـــک‌های دریایی و سطح به سطح، و زمین به هوای پیشرفته که می‌تواند تلفات سنگینی را به طرف آمریکایی تحمیل کند. ایران با حمله به تاسیســـات نفتی کشورهای عربی در خلیج فارس قادر به خلق بحران نفتی در جهان است برای ایرانیان کافی اســـت که یک کشتی جنگی آمریکا را در دریا غرق کنند تا مـــردم در داخل ایالات متحـــده در مخالفت با جنگ قیام کنند؛ به عبـــارت دیگر، ایران می‌تواند یک بحران نفتی ایجاد کند به گونه‌ای که قیمت نفت بشدت افزایش یابد و کشورها، آمریکا را مسئول این اتفاق خواهند دانست و می‌تواند یک بحران داخلی در آمریکا به وجود آورد به گونه‌ای که مردم آمریکا با ورود به جنگی بی فایده مخالفت می‌کنند. این مسائل قدرت بازدارندگی ایران را نشان می دهد.

۶- تبحر در جنگ نامتقارن، مزیت ایران نسبت به آمریکا

اندیشکده «امریکن اینتر پرایز» در مطلبی نوشته که ایران ارتشی را بنا کرده که پاسخگوی تهدیدهای واشنگتن باشد. با وجودی که ایران قادر به برابری متقارن با ارتش کلاســـیک آمریکا نیســـت، اما این کشـــور در عوض نیروهای خود را بر اساس ترکیبی از نیروهای قادر به اجرای عملیات غیرمتعارف و نیز بیشتر متعارف بنا نهاده که می‌تواند ضعف‌هـــای آمریکا را هدف قرار دهد و در جریان عملیات خونین شـــبه نظامی و واکنش‌های تلافی جویانه موشکی آمریکا و متحدینش را تهدید کند.

۷- شناخت عمیق از استراتژی و تاکتیک آمریکا

دکتر «آدام لوتر» عضو هیئت علمی دانشگاه هوایی وابسته به نیروی هوایی آمریکا قدرت نظامی ایران را عاملی مهم در خاورمیانه ذکر کرده است: ایران دارای یکی از قوی‌ترین نیروهای نظامی است که آمریکا در طول دهه‌ها با آن مواجه بوده است. ایران، تفاوت بسیار چشمگیری با گرانادا، پاناما، سومالی، هائیتی، بوسنی، صربستان، افغانستان و عراق دارد. تمامی این کشورها در همان ابتدای جنگ با نیروی دریایی، هوایی و زمینی بسیار قوی و تجهیزات پیشرفته ایالات متحده مواجه شـــدند که اصلا توان نظامی آن‌ها ذره‌ای با توان نیروی نظامی آمریکا قابل مقایسه نبود. نیروی نظامی ایران به مراتب از این کشـــورها تواناتر است به علاوه ایران بیش از یک دهه شاهد استراتژی و تاکتیک ایالات متحده در خاک عراق بوده اســـت و به راحتی توانسته استراتژی آمریکا را از خاک خود رصد کند. پس بی‌شـــک ایران توانسته نقاط قوت و ضعف ارتش آمریکا را بازشناســـد. برای مثال نیروی دریایی ایران در مبارزه ســـاحلی بســـیار خبره است و در رزمایش هایی که برگزار کرده نشان داده کـــه به راحتی می‌تواند تنگه هرمز را ببندد و حتی ناوهای جنگی آمریکایی را غرق سازد. بسته شدن تنگه هرمز هم بی‌شک به طور قابل توجهی از حمل و نقل و عبور کشـــتی‌ها و نفتکش‌ها خواهد کاست و این کاهش عبور کشتی‌های تجاری سبب افزایش ناگهانی قیمت نفت خواهد شد.

سایت «شنال اینترست» در مطلبی با اشاره به قدرت نظامی ایران نوشـــته که به استثنای کره شمالی، هیچ کشوری در دوران پس از جنگ سرد نتوانسته بیشتر از ایران، آمریکا را به چالش بکشد. دانیل کوتسی مدیر اطلاعات ملی آمریکا با سخنرانی در کمیته ویژه سنای کنگره آمریکا، اعلام نمود ایران دارای بزرگترین زرادخانه موشک‌های بالستیکی در خاورمیانه است و می تواند به اهدافی تا فاصله ۲ هزار کیلومتر از مرزهای خود ضربه بزند.